



هنگ کنگ آوردگاه مبارزهٔ ایدئولوژیک

و جنگ قدرت در جهان

نوشتهٔ کوین زیس و مارگرت فلاورز

هنگ‌کنگ، نمونهٔ بارزی از حاکمیت نئولیبرالیسم و سرمایه‌داری عظیم مالی در جهان-شهری شده است با ۹۳ نفر میلیارد (مقام دوم در جهان بعد از نیویورک از لحاظ تعداد میلیاردرها) و در عین حال شهری با ناامنی عظیم اقتصادی.

هنگ‌کنگ هنوز از صدمات ۱۵۰ سال استعمار بریتانیا که بعد از جنگ‌های تریاک شروع شد، بهبود نیافته است. بریتانیایی‌ها در آنجا نظام اقتصادی سرمایه‌داری را ایجاد کردند بی‌آنکه شهر هیچ سابقه استقلالی داشته باشد. هنگ‌کنگی‌ها در دوران استعمار حتی از حق رای برخوردار نبوده و کشتارهای روزانهٔ مردم معترض به دست نیروهای انگلیسی در سال ۱۹۶۷، هنوز فراموش نشده است. بریتانیایی‌ها در زمان ترک هنگ‌کنگ با دولت چین به توافقی رسیدند که به مدت پنجاه سال دولت چین نتواند نظام سیاسی و اقتصادی شهر را تغییر دهد. با این اقدام هنگ‌کنگ به منطقه‌ای با مدیریت ویژه SAR- Special Region Administrative تبدیل شد.

با توجه به این توافق، چین قادر نیست که اقدامی در جهت بهبود زندگی سخت مردم عادی در هنگ‌کنگ انجام دهد. سیاست «یک کشور، دو نظام» به معنای وجود سرمایه‌داری افراطی در هنگ‌کنگ، در کنار، اما جدا از نظام چین با سمت‌گیری سوسیالیستی است. هنگ‌کنگ نظام سیاسی غیرمعمولی دارد. مثلاً ۵۰ درصد اعضای مجلس مقننه باید نمایندهٔ منافع سرمایه‌داران، یعنی نمایندگان شرکت‌های بزرگ باشند.

هنگ‌کنگ، مرکزی برای سرمایه‌داری مالی بزرگ و در نتیجه محلی مساعد برای جنایت‌های مالی است. در بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ تعداد تراکنش‌های مشکوکی که به اطلاع قوهٔ مجریه رسیده از ۳۲,۹۰۷ به ۹۲,۱۱۵ افزایش یافته است. اما تعداد پیگرد قانونی برای این جنایت‌ها از ۱۶۷ در سال ۲۰۱۴، به ۱۰۷ مورد در ۲۰۱۷، کاهش یافته است. در عرض شش سال منتهی به ۲۰۱۷، تنها یک نفر به دلیل ارتکاب به جرایم مالی، راهی زندان شده

است. عاملی که موجب شعله ور شدن تظاهرات در هنگ‌کنگ شده، نه لایحه استرداد مجرمین به سرزمین اصلی چین، بلکه در اقتصاد و نحوه اداره هنگ‌کنگ است.

لایحه استرداد مجرمین

علت اعلام شده برای تظاهرات اخیر، لایحه استرداد مجرمین است. علت ارائه این لایحه، عدم وجود مسیری قانونی برای جلوگیری از فرار جنایتکاران به هنگ‌کنگ بوده است. این لایحه توسط دولت هنگ‌کنگ در فوریه سال ۲۰۱۹، به منظور ایجاد راهکاری برای انتقال مجرمین فراری در هنگ‌کنگ، به تایوان، ماکائو و سرزمین اصلی چین تهیه شده بود.

قوانین استرداد، روالی قانونی بین کشورها و در داخل هر کشور (مثلاً میان ایالت‌های مختلف) است، و از آن رو که هنگ‌کنگ بخشی از چین است، وجود چنین قانونی کاملاً بديهی به نظر می‌رسد. در حقیقت در ۱۹۹۸، قانونی مشابه با آنچه اکنون مورد مخالفت است، توسط مارتین لی، یک قانونگذار طرفدار دموکراسی ارائه شد که هدفش تضمین پیگرد و محاکمه مجرم در محل وقوع جرم بود.

حمایت از این لایحه دوباره در سال ۲۰۱۸، بالاگرفت و این بعد از زمانی بود که چنگ‌تونگ کای ساکن هنگ‌کنگ، نامزد حامله خود، پون هویی وینگ را در تایوان به قتل رسانده و در بازگشت به هنگ‌کنگ، ضمن معرفی خود به پلیس، به قتل نامزد خود اعتراف می‌کند. اما پلیس هنگ‌کنگ به دلیل عدم وجود قراردادی میان هنگ‌کنگ و تایوان، قادر به بازداشت و یا استرداد او به تایوان نبود.

قانون استرداد، در برگیرنده ۴۶ جرم مختلفی بود که در سرتاسر دنیا به عنوان جرم‌های فاحش شناخته می‌شوند. این جرم‌ها شامل قتل، تجاوز، آزار جنسی، آدم ربایی، نقض قوانین مهاجرت و قاچاق مواد مخدر و همین‌طور نقض قوانین مالکیت هم چون سرقت، تجاوز به حریم، حریق عمدی و دیگر جرم‌های معمول بود. جرم‌های مربوط به تقلب‌های مالی و تجاری نیز مشمول این قانون می‌شدند. ماه‌ها قبل از شروع تظاهرات، جماعت سرمایه‌دار مخالفت خود را با این لایحه اعلام داشته بود. دو حزب طرفدار سرمایه‌داری بزرگ در هنگ‌کنگ، از دولت خواستند که جرایمی از نوع جنایت یقه‌سفیدها را، از هرگونه قانون استرداد مستثنی نماید. فشار بر دولت از طرف سرمایه‌داری بزرگ متنفذ شهر در حال افزایش بود. اتاق بازرگانی آمریکایی، آم‌چم (Am Cham)، سازمانی با قدمتی پنجاه ساله که نمایندگی بیش از ۱۲۰۰ شرکت آمریکایی را که در هنگ‌کنگ به تجارت مشغول‌اند به عهده دارد، مخالف سرسخت این لایحه بود.

از دیدگاه آم‌چم، تصویب این قانون لطمه‌ای است به شهرت نیک شهر: «هرگونه تغییر در توافق‌های موجود برای استرداد، امکان دستگیری و تسلیم... مدیران شرکت‌های بین‌المللی را، که در هنگ‌کنگ ساکن بوده و یا از آنجا گذر می‌نمایند، بر مبنای ادعای جرم و تخلف اقتصادی از طرف دولت اصلی چین افزایش می‌دهد... و این به نوبه خود به شهرت هنگ‌کنگ به عنوان بهشتی امن و قابل اطمینان برای فعالیت‌های تجاری بین‌المللی، لطمه خواهد زد».

کورت تانگ - سرکنسول فعلی آمریکا در هنگ‌کنگ و ماکائو - در ماه مارس اظهار داشت که این لایحه می‌تواند به بغرنج شدن روابط میان واشنگتن و هنگ‌کنگ بیانجامد. مرکز بین‌المللی شرکت‌های خصوصی (بازوی بنیاد ملی در راه دموکراسی National Endowment for Democracy) به صراحت اعلام داشت که قانون مزبور موجب تضعیف آزادی اقتصادی و فرار سرمایه شده و نیز موقعیت هنگ‌کنگ به عنوان مرکزی برای تجارت جهانی را، به چالش می‌کشد. آنها ضمناً به نامه‌ای که از طرف هشت عضو کنگره آمریکا از جمله سناتور مارکو



جاشوا وُنگ رهبر «جنبش» هنگ‌کنگ و
نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا



مایک پنس، معاون ترامپ و خوان گوایدو،
مدعی شکست‌خورده ریاست جمهوری ونزوئلا

روبیو، تام کاتن و استیو دینس، از جانب هر دو حزب و اعضای مجلس نمایندگان چون جیم مک گاورن، بن مک آدامز، کریس اسمیت، تام سوآسی و برایان مست، در مخالفت با این لایحه ارسال شده بود، اشاره داشتند. طرفداران لایحه در پاسخ به این اعتراضات، نه مورد از جنایات‌های اقتصادی را مستثنی کرده و استرداد را تنها برای جرم‌هایی که مجازات بیش از هفت سال زندان را در پی داشت، محدود کردند. اما حتی این تغییرات نیز نتوانست رضایت طرفداران سرمایه بزرگ را جلب نماید.

اعتراضات گسترده و نقش ایالات متحده

با توجهی که این قانون به خود جلب کرد، ائتلافی برای سازمان‌دهی تظاهرات در ضدیت با آن شکل گرفت. بهانه اصلی تظاهرکنندگان احتمال استفاده این قانون در آینده بر علیه مخالفین سیاسی دولت چین بود. هرچند که در قانون، به هیچ وجه اشاره‌ای به جرم‌های عقیدتی و سیاسی نشده بود. به گزارش الکساندر روبین اشتاین، «فراخوانی برای تظاهرات از سوی رسانه‌های هنگ‌کنگ صورت گرفت.»

روزنامه مورنینگ پست چین جنوبی، و رسانه اینترنتی آزاد هنگ‌کنگ به عنوان سازمان دهندگان تظاهرات بر علیه قانون استرداد، خود را جبهه حقوق بشر نامیدند. در فهرست اعضای مؤتلفه جبهه که در وبگاه آن اعلام شده، اسامی سازمان «دیده‌بان حقوق بشر» که سازمانی است با تأمین هزینه از سوی «بنیاد ملی در راه دموکراسی»، کنفدراسیون دست راستی اتحادیه‌های هنگ‌کنگ، اتحادیه روزنامه‌نگاران هنگ‌کنگ، حزب مدنی (Civic Party)، حزب کارگر و حزب دموکرات دیده می‌شود.

سازمان «دیده بان حقوق بشر» تنها بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۳، بیش از ۱/۹ میلیون دلار از بنیاد ملی در راه دموکراسی، پول دریافت کرده است.

برپا کردن جنبشی ضد چینی در هنگ‌کنگ از سال ۱۹۹۶، برنامه دراز مدت «بنیاد ملی در راه دموکراسی» بوده است. در سال ۲۰۱۲ این بنیاد ۴۶۰ هزار دلار در انستیتوی ملی دموکراتیک برای ایجاد جنبشی ضد چینی (به اصطلاح جنبش طرفدار دموکراسی) به خصوص در میان دانشجویان سرمایه‌گذاری کرد. دو سال بعد، تظاهرات عظیم اشغال مرکزی (منظور تظاهرات سال ۲۰۱۴ هنگ‌کنگ است) شکل گرفت. در سال ۲۰۱۶، طی نامه‌ای سرگشاده به کورت تونگ، با اشاره به این مبالغ‌اهدایی، از او در مورد نقش ایالات متحده در تأمین مالی جنبش استقلال هنگ‌کنگ سؤال شد.

در حین ماه‌های اخیر، عکس ملاقات سازمان دهندگان تظاهرات با «جولی ایده»، مدیر واحد سیاسی کنسولگری آمریکا، در هتلی در هنگ‌کنگ منتشر شد. سازمان دهندگان هم‌چنین در واشنگتن، با سیاست‌مدارانی چون مایک پنس معاون ریاست جمهوری، مایک پمپئو وزیر دفاع، مشاور (سابق) امنیت ملی جان بولتون، سناتور مارکوروبیو، والیوت انگل رئیس روابط خارجی در مجلس نمایندگان، ملاقات داشتند. همه این سیاست‌مداران به داشتن مواضعی تند در مورد چین مشهور هستند. لاری دایموند، کمک سردبیر نشریات و مطالعات بنیاد ملی برای دموکراسی، طی یک پیغام ویدئویی، که به تازگی در یکی از گردهم‌آیی‌ها پخش شد، به صورتی آشکار تظاهرکنندگان را تشویق و از آنها حمایت کرد.

دراعتراضات، استفاده از بسیاری از عناصر تاکتیکی انقلاب‌های رنگین ساخته ایالات متحده، هم‌چون حمله به مردم ناظر، خبرنگاران، پلیس و امدادسازان دیده می‌شود، تاکتیک‌های مشابهی از جمله به‌کارگیری سنگرهای خیابانی عظیم، مشابه آنچه که در اوکراین، نیکاراگوئه و ونزوئلا استفاده شد. رسانه‌ها و دولت آمریکا به عکس‌العمل دولت به این تظاهرات خشونت آمیز معترض‌اند، بی‌آنکه کلمه‌ای در مورد خشونت شدید پلیس فرانسه بر علیه جلیقه زردها، اظهار نمایند. تظاهرکنندگان هم‌چنین از روش‌های مدرن بمباران اطلاعاتی و پیغام‌رسانی شبکه‌های اجتماعی برای تأثیرگذاری بر روی افکار عمومی مردم آمریکا استفاده می‌کنند. تظاهرات در مقیاسی انبوه ادامه یافته است. در تاریخ نهم ژوئن، فرمانده کل شهر، «کاری لم»، تعلیق لایحه را اعلام کرد. اما حالا تظاهرکنندگان خواستار حذف کامل آن، استعفای لم و رسیدگی به رفتار پلیس با تظاهرات هستند.

سرچشمه نارضایتی‌ها در هنگ‌کنگ چیست ؟

منبع ناآرامی در هنگ‌کنگ را باید در عدم امنیت اقتصادی ناشی از حاکمیت نظام سرمایه‌داری یافت. در ۱۹۹۰، میلتنون فریدمن، هنگ‌کنگ را به عنوان بهترین نمونه اقتصاد بازار آزاد، معرفی کرد. داشتن این مقام برتر هنگ‌کنگ، به دلیل وجود حداقل میزان مالیات، مقررات سبک، حقوق سخت مالکیت خصوصی، آزادی کسب و کار و درهای گشوده آن بر روی تجارت جهانی می‌باشد. مشکل، لایحه استرداد «کاری لم» و یا چین نیست. آنچه که شاهدش هستیم، اقتصاد نئولیبرال بی‌بند و بار است. اقتصاد هنگ‌کنگ در مقایسه با تولید ناخالص ملی چین، از قله ۲۷ درصد در ۱۹۹۳، به کمتر از ۳ درصد در ۲۰۱۷، کاهش یافته است. در طول این مدت، شاهد رشد چشمگیر چین، از جمله در ناحیه بازارپذیر «شن زن» در مجاورت هنگ‌کنگ بوده‌ایم. در حالیکه چین رشدی در هنگ‌کنگ دیده نمی‌شود.

منبع ناآرامی در هنگ‌کنگ را باید در عدم امنیت اقتصادی ناشی از حاکمیت نظام سرمایه‌داری یافت. در ۱۹۹۰، میلتنون فریدمن، هنگ‌کنگ را به عنوان بهترین نمونه اقتصاد بازار آزاد، معرفی کرد. داشتن این مقام برتر هنگ‌کنگ، به دلیل وجود حداقل میزان مالیات، مقررات سبک، حقوق سخت مالکیت خصوصی، آزادی کسب و کار و درهای گشوده آن بر روی تجارت جهانی می‌باشد. مشکل، لایحه استرداد «کاری لم» و یا چین نیست. آنچه که شاهدش هستیم، اقتصاد نئولیبرال بی‌بند و بار است. اقتصاد هنگ‌کنگ در مقایسه با تولید ناخالص ملی چین، از قله ۲۷ درصد در ۱۹۹۳، به کمتر از ۳ درصد در ۲۰۱۷، کاهش یافته است. در طول این مدت، شاهد رشد چشمگیر چین، از جمله در ناحیه بازارپذیر «شن زن» در مجاورت هنگ‌کنگ بوده‌ایم. در حالیکه چین رشدی در هنگ‌کنگ دیده نمی‌شود.